

پیشگیری از تکرار بزه کاری بر پایه میانجی گری پلیس

صیاد درویشی^۱
استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین
عبدالرحمن میرزاخانی^۲
عضو هیأت علمی و دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین
نورالله حسینی خواه^۳
عضو هیأت علمی و دانشجوی دکتری جرم‌پایی دانشگاه علوم انتظامی امین

چکیده

ظهور عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات به وجود آمده در نگرش به عدالت کیفری و تفکر ناظر به جرم در دو دهه گذشته می‌باشد. عدالت ترمیمی رویکرد متوازن و همه جانبه به شرایط جرم است و تلاش می‌نماید با ابزارهایی مانند میانجی‌گری بتواند نه تنها منافع تمام آسیب‌دیدگان ناشی از جرم را تأمین نماید، بلکه زمینه‌های بازپذیری و باز اجتماعی شدن مجرم را فراهم آورد. هدف تحقیق حاضر شناخت نقش میانجی‌گری دوایر مشاوره و مددکاری کلاتری‌های پلیس در پیشگیری از تکرار بزه کاری می‌باشد.

روش تحقیق حاضر از نظر اهداف کاربردی و از نظر ماهیت مطالعه توصیفی تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و کار میدانی با مطالعه دو گروه بزه‌کار است. از آنجا که مهم‌ترین و مؤثرترین راه برای آشنایی و دستیابی به میانی نظری پیرامون عدالت ترمیمی و نقش میانجی‌گری پلیس در پیشگیری از تکرار بزه کاری، رجوع به منابع و نوشته‌های پژوهشگران، و آثار اندیشمندان در این حوزه می‌باشد، در این تحقیق نیز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی از آمار و عملکرد دوایر مشاوره و مددکاری اجتماعی کلاتری‌های پلیس در یک دوره پنج‌ساله، تلاش شده است تا ضمن بیان تصویری دقیق و واضح از نظریات اندیشمندان در این حوزه و وضعیت فعلی دوایر مشاوره و مددکاری اجتماعی، راهکارهای عملی در جهت تحقق پیشگیری از تکرار بزه کاری بر پایه میانجی‌گری پلیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

نتایج تحقیق بیانگر آن است که نقش میانجی‌گری پلیس با رویکرد فرآیندمحوری و با استفاده از ظرفیت‌های جامعه محلی، با امکان تأثیرگذاری بر شرایط فردی و اجتماعی مجرم، گرایش مجدد وی را

1. Email: savadshojai@yahoo.com

«نویسنده مسئول»

2. Email: cls188rahman@yahoo.com

3. Email: n.hosainikhah@chmail.ir

در ارتکاب جرائم کاهش خواهد داد و به عبارتی می‌توان بیان نمود، هر قدر گرایش پلیس در نقش میانجی‌گری به سمت فرآیندمحوری باشد، امکان تکرار بزه‌کاری مجرم کاهش یافته و برعکس هر قدر گرایش پلیس در نقش میانجی‌گری به سمت نتیجه و کاهش تراکم پرونده‌ها متمرکز شود، امکان تکرار بزه‌کاری مجرم افزایش پیدا خواهد نمود.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، میانجی‌گری پلیس، فرآیندمحور، پیشگیری از جرم، پیشگیری از تکرار بزه‌کاری

مقدمه

عدالت ترمیمی تفکر جدید در امور کیفری است که در دهه هفتاد میلادی به علت مسائل و مشکلات ناشی از اجرای عدالت کیفری و سنتی و عدم توجه کافی به حقوق و جایگاه بزه‌دیدگان و اجتماع از سوی دولت و سیستم عدالت کیفری، ابتدا در کشورهای آمریکای شمالی سپس اروپا و اکنون در قلمرو بین‌المللی توسط سازمان ملل متحد مورد توجه جدی قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است. عدالت ترمیمی به منظور جبران زیان وارده بر بزه‌دیده و در قلمرو وسیع‌تر در پاسخ به جامعه، بازگردان وحدت و هماهنگی شکسته شده ناشی از ارتکاب جرم با استفاده از روش‌های مختلف و خارج از فرآیند رسیدگی در محاکم کیفری و در حضور بزه‌کار، بزه‌دیده، اقوام، خویشان و اطرافیان انجام می‌پذیرد. بنابراین عدالت ترمیمی بر آن است که دو طرف درگیر در جرم را در فرآیند رسیدگی مشارکت دهد و با ابزارهایی مانند میانجی‌گری موجب قضا‌زدایی شود و تا جایی که امکان دارد متهم را تعقیب نکند. تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهد که بزه‌دیدگان احساس رضایت بیشتری از رویکرد عدالت ترمیمی نسبت به فرآیند رسیدگی رسمی نشان می‌دهند و از سوی دیگر مجرمین تمایل زیادی در رودررو شدن با بزه‌دیده و جبران خسارت ناشی از ارتکاب جرم نشان می‌دهند که شاید حضور مجرم در جلسه میانجی‌گری و جبران خسارت بزه‌دیده و آگاهی از مشکلات بزه‌دیده و فضای جمعی حاکم بر جلسه رسیدگی تأثیر مهمی بر بازگشت مجرم به جامعه و عدم تکرار جرم داشته باشد. این امر موجب می‌شود متهمان و کسانی که برای اولین مرتبه مرتکب جرم شوند از برچسب مجرمانه‌رهایی یابند و در همان دادسرا در صورت فقدان شاکی خصوصی و یا گذشت او با هم توافق کنند و موضوع به دادگاه کشیده نشود و زمینه برای برگشت او به جامعه فراهم شود و همچنین باعث کاهش حجم پرونده‌ها می‌شود و در مورد بزه‌دیده نیز باعث می‌گردد که وی زودتر به خواسته خود رسیده و هزینه‌های او هم کاهش یابد.

قانون آئین دادرسی کیفری جدید در ماده ۸۲ موضوع «میانجی‌گری» را در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷، ۸ مطرح کرده است. این جرائم غالباً قابل گذشت و یا جرائمی هستند که گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در تخفیف جرم مؤثر است. این امر موجب کاهش تراکم پرونده‌ها و کاهش هزینه‌های بزه‌دیده و در مورد متهم باعث فراهم شدن زمینه برای تسریع باز اجتماعی شدن او می‌شود. البته این شیوه را می‌توان به عنوان متمم در مورد جرائم خشن، قتل و غیره انجام داد تا بخش عمده‌ای از خسارات مادی و معنوی ناشی از ارتکاب جرم را در بزه‌دیدگان جبران نمود. برابر بند ۸ از ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران پیشگیری از جرائم و به تبع آن پیشگیری از تکرار جرم یکی از وظایف اصلی پلیس می‌باشد که پلیس با اعمال نظارت و کنترل و سایر سازوکارهای قانونی تلاش دارد تا از تکرار جرم جلوگیری نماید. در این راستا، بخش عظیمی از پرونده‌های قضایی قبل از رسیدگی در دادسرا از طریق کلانتری‌های پلیس و با میانجی‌گری دوایر مشاوره و مددکاری اجتماعی که در ساختار کلانتری‌ها پیش‌بینی شده است، حل و فصل می‌شود. رویکرد عدالت ترمیمی یا میانجی‌گری از سوی دوایر مشاوره و مددکاری پلیس می‌تواند در حل و فصل بسیاری از دعاوی کیفری در قبل از مرحله رسیدگی نقش اساسی داشته و موجبات جبران بخش عمده‌ای از زیان‌ها و خسارات مادی و معنوی بزه‌دیده را جبران نماید. با این وصف به نظر می‌رسد پلیس بتواند با اقدام مناسب زمینه‌گرایش به تکرار بزه‌کاری را کاهش دهد. لذا مطالعه حاضر با هدف شناخت نقش میانجی‌گری پلیس در پیشگیری از تکرار بزه‌کاری، این فرضیه را مطرح می‌نماید که می‌توان پیشگیری از تکرار بزه‌کاری را بر پایه میانجی‌گری پلیس محقق ساخت.

۱- اهمیت و ضرورت

در شرایطی که پلیس با تمرکز بر رویکرد جامعه محوری در پی مشارکت دادن و سهیم نمودن جامعه در بهبود مأموریت‌ها و اقدامات ایجابی و پیش‌واکنشی در پیشگیری از جرم است، تلاش می‌نماید در هر سه سطح پیشگیری نخستین، ثانویه و ثالث و در سه نوع از پیشگیری کیفری، وضعی و اجتماعی در چارچوب قانون نقش‌هایی را ایفاء نماید. بنابراین در رویکرد نوین خود در یک دهه اخیر، با تغییر ساختار و راه‌اندازی دوایر مشاوره و مددکاری اجتماعی در کلانتری‌های انتظامی، برنامه‌های خود را در قالب پیشگیری از جرم با تأثیرگذاری بر محیط فردی و اجتماعی دنبال می‌نماید. یکی از این برنامه‌های مهم، میانجی‌گری در ترمیم خسارات مادی و معنوی ناشی از وقوع جرم بر بزه‌دیده و حصول صلح و سازش قبل از رسیدگی در

محاکم کیفری و حتی در مراحل رسیدگی می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهد میانجی‌گری دارای پیامدهای پیشگیرانه از جرم می‌باشد. اما اینکه آیا این هدف در میانجی‌گری پلیس محقق می‌گردد یا خیر؟ در خور توجه بوده و بنابراین تحقیق حاضر این امکان را می‌دهد تا با شناخت ویژگی‌ها و شرایط حصول و تحقق پیامد پیشگیرانه در میانجی‌گری پلیس در راستای تحقق اهداف سازمانی گامی هر چند اندک برداشته شود.

۲- پیشینه تحقیق

با نگرش بر پیشینه مطالعاتی در رابطه با رویکرد عدالت ترمیمی که از دهه هفتاد میلادی در قالب تئوری و به عنوان تفکر جدید در امور کیفری مطرح گردیده است، اندیشمندان خارجی از جمله، موریس و ماکس ول^۱ (۲۰۰۲)، ماردوسکا^۲ (۲۰۰۹)، رابینسون و شاپلند^۳ (۲۰۰۸) و رابریگز^۴ (۲۰۰۷) در آثار و مطالعات خود عدالت ترمیمی را رویکرد همه جانبه و متوازن به جرم دانسته‌اند و به عنوان یک رویکرد نوین در نظام عدالت کیفری در پاسخگویی مناسب به تمام آسیب‌دیدگان فردی و اجتماعی ناشی از وقوع جرم دانسته‌اند.

در مطالعات داخلی نیز که به بخشی از آن‌ها اشاره می‌گردد؛ رهامی (۱۳۸۵) در تحقیق خود تحت عنوان زمینه‌های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران به این نتیجه رسیده است که سیاست جنایی اسلام در حوزه جرائم علیه اشخاص حتی در جرائم مستحق قصاص عمدتاً بر پایه عدالت ترمیمی و ایجاد صلح و سازش است. معظمی و پارسا (۱۳۸۸) در تحقیق خود تحت عنوان انجمن معتادان گمنام از منظر عدالت ترمیمی به این نتیجه دست یافته‌اند که مفاهیم، اصول و سنت‌های انجمن یاد شده منطبق بر عدالت ترمیمی است و در واکنش‌گرایی قانون به رفتار اعتیاد، کیفر به ترمیم و اصلاح بدل گشته است. نجفی ابرندآبادی و دیگران (۱۳۸۷) در مطالعه خود به توصیف و تحلیل اصلاح ذات‌البین مبتنی بر آموزه‌های دینی در نظام عدالت کیفری ایران و عدالت ترمیمی در این رابطه پرداخته‌اند و غلامی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان عدالت ترمیمی، اصول و روش‌ها، به ارزش حاکم بر عدالت ترمیمی و اصول و روش‌های اجرای آن پرداخته و رویکرد عدالت ترمیمی را احیاء رویکردهای سنتی به جرم می‌داند که می‌تواند با مشارکت کلیه سهامداران جرم محقق شود. به‌رغم مطالعات انجام شده در حوزه

1. Moris & Maxvel
2. Murdocca
3. Robinson & Shapland
4. Rodriguez

عدالت ترمیمی و نقش میانجی‌گری در تحقق آن، تاکنون تحقیق مشابه تحقیق حاضر انجام نگرفته و این مطالعه در نوع خود، جدید است.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- تعاریف و مفهوم عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن، هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن است و در واقع برخلاف عدالت کیفری که بر بزه‌کار تمرکز دارد، یک رویکرد متوازن و همه جانبه نسبت به جرم و پیامدهای آن می‌باشد و منافع همه کسانی را که در اثر جرم آسیب دیده‌اند، مورد توجه قرار می‌دهد. عدالت ترمیمی در پی تحولات به وجود آمده در نگرش به نظام عدالت کیفری در رویکرد جرم‌شناسی و به طور کلی تحول در تفکر ناظر به جرم در دو دهه اخیر ایجاد و توسعه یافته است. هر چند ریشه تفکر عدالت ترمیمی را می‌توان در گذشته‌های دور در نظام‌های اعتدال شرقی و بر پایه مکاتب دینی و انسانی جستجو نمود، لیکن در قالب یک نهضت اجتماعی و به یک عنوان نظریه علمی در جهت اصلاح و بازنگری نظام عدالت کیفری به دهه ۱۹۷۰ در غرب و اروپا برمی‌گردد، که در پی ناتوانی نظام عدالت کیفری سنتی و بازپروری در پاسخگویی مناسب به جرم، به وجود آمده است.

عدالت ترمیمی فرآیندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند تا آنجا که امکان‌پذیر است تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیانها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور، به اندازه‌ای که امکان‌پذیر است، اقدام نمایند (غلامی، ۱۳۸۳). عدالت ترمیمی فرآیندی است که در آن کلیه کسانی که در خصوص یک جرم خاص سهمی دارند، گرد هم می‌آیند، تا به طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده راه‌حلی بیابند (رایت و همکاران، ۱۳۸۴). عدالت ترمیمی، ابتدا در کشورهای آمریکای شمالی، استرالیا و زلاندنو به صورت تجربی - علمی در اشکال مختلف آن مانند میانجی‌گری، نشست‌ها یا جلسات گروهی خانوادگی، جلسات یا حلقه‌ها یا جرگه‌های شفابخش، درمان‌بخش، اصلاحگر، ترمیمی و ... معمول شد و متعاقب آن مورد توجه دکتربین و قانونگذاران قرار گرفت. در واقع، نهادهای مدنی و مراجع قضایی و پلیسی این کشورها سعی کردند در قالب ابتکارهای گروهی و محلی و نیز در چارچوب سازوکار

قضازدایی، اختلافات کیفری سبک را بدون توسل یا ادامه فرآیند قضایی حل و فصل کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱).

۴- مفهوم میانجی‌گری

واژه (میانجی‌گری) در دو معنی به کار می‌رود: یکی وساطت بین دو طرف متخاصم به منظور عفو طرف متجاوز به وسیله قربانی یا زیان‌دیده یا به منظور رفع اختلاف و ایجاد صلح و سازش بین آن دو، دیگری، پایمردی و وساطت نزد حاکم (قاضی) به سود مجرم و گناهکار به منظور عفو بخشش خطای او یا تخفیف در مجازات وی.

میانجی‌گری در اصطلاح، فرآیند سه جانبه یا سه طرفه‌ای است که فارغ از تشریفات معمول در فرآیند کیفری بر اساس توافق قبلی شاکی - بزده‌دیده و متهم - بزه‌کار با حضور شخص ثالثی به نام میانجی‌گر یا میانجی به منظور حل و فصل اختلاف‌ها و مسائل ناشی از ارتکاب جرم، آغاز می‌شود (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۷۷). هدف از میانجی‌گری در پلیس، رسیدن به اهدافی است که برای عدالت ترمیمی برشمرده شده است و پیشگیری از تکرار بزه‌کاری را می‌توان از جمله مهم‌ترین آن اهداف به شمار آورد. بدین منظور ساختاری متناسب با این هدف، تحت عنوان «دایره مشاوره و مددکاری» با کارکنانی برخوردار از تحصیلات مربوطه، در کلاتری‌ها تشکیل گردیده است به گونه‌ای که قضات محترم با علم به توانمندی این دوایر، برخی از پرونده‌های قضایی را با هدف اعمال میانجی‌گری پلیس با رویکرد تحقق عدالت ترمیمی به این دوایر ارجاع می‌دهند.

۵- اهداف عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی نگرش نو، همه جانبه و به عبارتی چند بعدی به پدیده جرم است و هدف کلی آن را می‌توان ترمیم و بازسازی تعادل از هم گسیخته بین بزه‌کار، بزه‌دیده و سایر کسانی که از وقوع جرم دچار ضرر مادی و معنوی گردیده‌اند، دانست. بنابراین بر اساس این دیدگاه با به مشارکت طلبدین بزه‌دیده در فرآیند تصمیم‌گیری به منظور برگردان ضرر و زیان مادی و معنوی به بزه‌دیده، تقویت مسئولیت بزه‌کار در مقابل آسیب‌دیدگان از جرم، حمایت اطرافیان و جامعه محلی در مساعدت و پذیرش بزه‌کار و مجرم به آغوش جامعه، یک رویکرد متوازن را دنبال می‌نماید و لذا اهداف عدالت ترمیمی را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱- عدالت ترمیمی درصدد آن است آنچه نقض شده بهبود یابد و مهم‌ترین هدف در رویکرد ترمیمی توجه به نیازها و دل مشغولی‌های بزه‌دیده می‌باشد (غلامی، ۱۳۸۵: ۳۴).

۲- رویکرد ترمیمی در پی آن است که بزه‌دیده و بزه‌کار را به مثابه دو انسان صاحب کرامت پنداشته و ترس و دلهره را از بزه‌دیده برطرف سازد تا از بزه‌دیدگی ثانویه وی پیشگیری کند. ۳- از دیگر اهداف عدالت ترمیمی در مورد بزه‌دیدگان جبران خسارت آن‌هاست (سماواتی، ۱۳۸۴: ۱۲). ۴- عدالت ترمیمی به دنبال ایجاد تعادل و توازن میان منافع تمام کسانی است که از وقوع جرم تأثیر پذیرفته‌اند و همچنین تسهیل بازپذیری مجرم از سوی جامعه و پیشگیری از تکرار بزه‌کاری از اهداف دیگر عدالت ترمیمی است (فرجی‌ها، ۱۳۸۷: ۴۲). بنابراین خانواده، دوستان، اطرافیان، همکاران، جامعه محلی و غیره را شامل می‌شود.

۶- اشکال اجرای عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی دارای سه رکن اساسی می‌باشد که شامل، بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه محلی می‌باشد و در صورتی که جرم شدید باشد، احیاناً دولت (دادستان یا دادگاه) وارد عدالت ترمیمی می‌گردد و به طور کلی عدالت ترمیمی در اشکال زیر اجراء می‌گردد:

۱- درون سیستم قضایی و پلیسی: یعنی خود قاضی یا کلانتری به صورت ابتکاری و خودجوش نقش میانجی‌گری را ایفاء می‌نماید. ۲- عدالت ترمیمی تفویضی و انتقال یا مشارکتی: در این صورت سیستم قضایی از طریق قانونگذار اعمال عدالت را همراه با نظارت به افراد حقیقی و خصوصی واگذار می‌نماید؛ مانند شورای حل اختلاف که در فرآیند رسیدگی از طریق یک مشاور که قاضی می‌باشد، به اجرای عدالت ترمیمی نظارت می‌گردد. ۳- کاملاً جامعوی و مردمی: در این صورت دولت هیچ‌گونه نظارتی بر نحوه اعمال عدالت ندارد. مانند خانه‌های انصاف قبل از انقلاب، آئین‌های مردمی مثل عشایر و یا در عمل شوراهای اسلامی شهر در برخی از شهرها (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۳).

۷- دیدگاه‌های اجرایی عدالت ترمیمی

۱- دیدگاه فرآیندمحور: دیدگاه فرآیند محور پروسه‌ای است که با وقوع جرم آغاز می‌شود و با مذاکرات به صورت گروهی، جمعی و ... تصمیم گرفته می‌شود و بنابراین یک نو مذاکره و تصمیم جمعی است. در این نگرش برای بزه‌کار و بزه‌دیده از جامعه محلی کمک گرفته می‌شود

و عدالت به صورت افقی در جامعه اتفاق می‌افتد. چون هدف این است که بزه‌کار به جامعه بازگشته و مجدداً با جامعه یکپارچه شود. در این دیدگاه عدالت ترمیمی که در مفهوم عام، هدفش ترمیم آلام و مرض‌های مادی و صدمات معنوی بزه‌دیده و بازگرداندن صلح و آرامش به جامعه محلی است محقق می‌گردد؛ چرا که بزه‌کار نیز از این فرآیند منتفع و به تقصیرش آگاه گردیده و یک نوع ندامت در مقابل بزه‌دیده، اطرافیان و جامعه محلی در او حاصل می‌شود؛ و در نهایت با پرداخت خسارت یا انجام دادن خواسته بزه‌دیده، خودش را به جامعه باز می‌گرداند و با جامعه آشتی می‌نماید.

۲- دیدگاه نتیجه محوری: در این نوع نگرش، صرف‌نظر از نوع مواجهه و رویارویی بزه‌دیده و بزه‌کار و جامعه محلی، مهم این است که صدمات و خسارات ناشی از جرم که متوجه بزه‌دیده گردیده است، مرتفع و حل و فصل گردد. نتیجه مهم است و فرآیند مهم نیست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵). در این دیدگاه به جای کیفیت حل مسئله به کمیت توجه می‌شود و هر چه آمار صلح و سازش بالاتر باشد برای سازمان مربوطه موفقیت تلقی می‌شود. واضح است که چنین اقداماتی غیرعمیق و گذرا است و احتمال برگشت به وضعیت قبل بیشتر است.

با ملاحظه دو دیدگاه فوق می‌توان بیان نمود که اجرای عدالت ترمیمی در نگرش فرآیندمحور معنا پیدا می‌نماید و می‌توان اهداف عدالت ترمیمی را محقق ساخت و در سایه مذاکره جمعی و ضمانت اجرایی جمعی می‌توان تعادل از بین رفته بین بزه‌کار و بزه‌دیده اولیه، ثانویه و جامعه را ترمیم نمود. لذا در عدالت ترمیمی فرآیندمحور به شیوه‌های زیر اقدام می‌گردد:

- ۱- جلسات درمان‌بخش و اصلاح‌کننده؛ ۲- جلسات گروهی خانوادگی؛ ۳- ترمیم اختلالی که در روابط محلی به دنبال ارتکاب جرم ایجاد شده است. نشست‌های ترمیمی منجر به حصول جبران خسارت عینی و واقعی از یک طرف و جبران خسارت به صورت نمادین جهت پیوند بین بزه‌کار و بزه‌دیده و اعاده تعادل از بین رفته می‌گردد.

۸- برنامه‌های عدالت ترمیمی

برنامه‌های عدالت ترمیمی عبارتند از: ۱- میانجی‌گری بین بزه‌کار و بزه‌دیده به منظور ترمیم خسارت بزه‌دیده؛ ۲- کنفرانسی یا همان نشست‌های تبادل آراء؛ ۳- پنل‌ها و یا میزگردها با هیأت‌های بزه‌دیده، بزه‌کار؛ ۴- پیشگیری اجتماعی از جرم در مقابل پیشگیری کیفری از جرم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳).

۹- میانجی‌گری در سایر کشورها

کانادا کشوری پیشگام در زمینه عدالت ترمیمی و میانجی‌گری محسوب می‌گردد. اولین نمونه رسمی میانجی‌گری در این کشور در سال ۱۹۷۴ بود که طی آن به چند بزه‌کار جوان که متهم به جرم تخریب شده بودند، اجازه داده شد تا با حضور یک میانجی و بزه‌دیده و با توافق یکدیگر طرحی را برای ترمیم و بازسازی اموال تخریب شده به اجراء در بیاورند. در سال ۱۹۷۶ با ترغیب و تشویق اداره تسهیل اجرای قوانین در وزارت دادگستری ایالت متحده آمریکا مدل‌های عدالت همسایگی اعمال گردید و به دنبال آن میانجی‌گری کیفری با سرعت زیادی در این کشور رشد نمود. به طوری که در حال حاضر برابر آمارهای موجود بیش از ۳۱۳ انجمن، نهاد، سازمان در آمریکا به ارائه خدمات میانجی‌گری می‌پردازند. شمار این موارد در اروپا به بیش از هشتصد برنامه و طرح و نهاد بالغ می‌گردد، که از این میان حدود چهارصد برنامه و طرح در آلمان و ۱۳۰ برنامه و طرح در فرانسه و ۴۴ طرح در نروژ ۴۳ طرح و برنامه در انگلستان فعال می‌باشد. علاوه بر اروپا، مدل‌های میانجی‌گری در کشورهای نیوزلند، استرالیا، ژاپن، آفریقای جنوبی نیز به خوبی شناخته شده و به اجرا درمی‌آیند (Rossner, 1999). برنامه‌های میانجی‌گری به عنوان بارزترین نماد عدالت ترمیمی، حوزه وسیع و ناهمگونی را شامل می‌شوند که هم از حیث فراوانی و هم از حیث تنوع بسیار گسترده‌اند. مطالعات متعدد در کشورهای مختلف حاکی از این است که میانجی‌گری در جرائم بزرگ به اندازه میانجی‌گری در زمینه جرائم اطفال گسترش پیدا نموده و بسیاری از جرائم مانند سرقت، جرائم خشن مانند سرقت مسلحانه، جرائم خانوادگی، تجاوزات جنسی و حتی جرائم قتل نیز که از طریق میانجی‌گری حل و فصل گردیده، دارای آثار و نتایج اثر بخش نیز بوده است (Umbreit, 1998). نشست ترمیمی در نظام عدالت کیفری مناطق مختلفی از جهان، نسبت به اکثر جرائم و نسبت به بزه‌کاران در همه گروه‌های سنی، مورد استفاده قرار گرفته است. کاربرد عمده‌ای این برنامه، به عنوان شیوه‌ای نو برای اعلام هشدارهای پلیس به بزه‌کاران نوجوان در بریتانیا، توسط افسر پلیس، تیمز ولی، به عنوان هشداردهی ترمیمی مورد آزمایش قرار گرفت و در حال حاضر اکثر نیروهای پلیس در بریتانیا از این شیوه استفاده می‌کنند (Young & Gould, 1999). دستگیرشدگان که می‌توانند به زندان فرستاده شوند، در برخی موارد، گزینه‌های مناسبی برای برخورداری از فرصت دریافت یک هشدار ترمیمی، تلقی می‌شوند. از آنان دعوت به عمل می‌آید تا در نشست ترمیمی شرکت کنند. حضاران در این نشست عبارتند از: بزه‌کاران، بزه‌دیدگان، اعضای خانواده بزه‌کاران و بزه‌دیدگان و

دیگر خویشاوندان آن‌ها و همچنین یک تسهیل‌کننده آموزش‌دیده در اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی؛ مانند یک افسر پلیس و یا غیره. هدف کلی چنین نشستی، دستیابی به یک راه‌حل است که از طریق آن، بزهکاران به جبران واقعی و جبران نمادین ضرر و آسیبی که ناشی از رفتار مجرمانه آن‌هاست، بپردازند. از طریق فرآیند مذکور، زمینه برای بازپذیری و ادغام مجدد بزه‌کاران و بزه‌دیدگان در اجتماع فراهم می‌شود. نشست ترمیمی، عموماً به عنوان یکی از شیوه‌های اعمال مفاهیم و اصول عدالت ترمیمی در انجام فعالیت‌های پلیسی از جمله هشداردهی، شناخته می‌شود؛ مخصوصاً شرمساری بازپذیرکننده نشست ترمیمی که به عنوان گونه‌ای از فرآیند و تشریفات محسوب می‌شود. همان گونه که فعالیت‌ها و تبلیغات پلیس اشاره دارد، عدالت ترمیمی از اصول شرمساری برای مداخله در چرخه ارتکاب جرائم استفاده می‌کند، به این امید که تا اندازه زیادی چرخه دائمی تکرار بزه‌کاری را متوقف کند (Webster, 1999).

برای روشن شدن بحث موفقیت‌آمیز بودن برنامه‌های عدالت ترمیمی در برخی محدوده‌ها با تأکید بر ویژه برنامه‌های میانجی‌گری کیفری به برخی مطالعات و پژوهش‌ها در سایر کشورها پرداخته می‌شود.

در سال ۲۰۰۰ پژوهش‌گرانی به نام‌های و لاکو، رونی، کاپرتا و بوتتا در کانادا اعلام کردند که آمار تکرار جرم افراد شرکت‌کننده در برنامه‌های عدالت ترمیمی، نظیر میانجی‌گری نسبت به گروه مقایسه شده در دستگاه عدالت کیفری، تفاوت معناداری را نشان می‌دهد (Umbreit & Vos, 2001). این آمار ۱۲ درصد در مقابل ۳۷ درصد بود، که رقم بیشتر مربوط به سیستم عدالت کیفری سنتی بوده است. مطالعات نوجنت و پادوک در سال ۱۹۹۵ در انگلستان تفاوت معناداری را در مورد آمار تکرار جرم در رابطه با شرکت‌کنندگان در برنامه‌های عدالت ترمیمی نشان می‌دهد. این آمار ۱۹/۸ درصد در مورد شرکت‌کنندگان در میانجی‌گری کیفری در مقابل ۳۳/۱ درصد تکرار جرم در مورد مشمولین دادرسی کیفری عادی بوده است. علاوه بر این گروه شرکت‌کننده در میانجی‌گری کیفری جرائم کم اهمیت‌تری را تکرار کرده بودند (Nugent & Poaddock, 1995). مطالعات دیگری که در زمینه برنامه‌های عدالت ترمیمی و میانجی‌گری توسط اشنایدر به سال ۱۹۸۶ انجام گرفت، نشان داد تکرار جرم در مشمولین برنامه‌های میانجی‌گری و مشمولین برنامه‌های تعلیق مراقبتی و کسانی که مشمول هیچ‌یک از این برنامه‌ها واقع نشده و در مسیر عادی دادرسی کیفری محاکمه و مجازات شده بودند، نشان می‌داد که پس از سی ماه نظارت و پیشگیری، ۵۳٪ کسانی که در برنامه‌های

میانجی‌گری شرکت کرده بودند، در طول این مدت دوباره مرتکب تکرار جرم شده بودند. این آمار در مورد کسانی که در برنامه‌های تعلیق مراقبت شرکت نموده بودند ۱۰٪ افزایش و ۶۳٪ تکرار جرم را نشان می‌داد. گروه سومی نیز به برنامه‌های میانجی‌گری احاله شده بودند، اما در ابتدا یا در طول گفتگوها از ادامه گفتگو سر باز زده بودند، در طول سی ماه نظارت و کنترل ۵۵٪ آمار تکرار جرم داشتند (Schneider, 1998).

همچنین تحقیقی که در سال ۲۰۰۰ در آلمان توسط دولینگ و هارتمن در رابطه با میانجی‌گری انجام پذیرفت، نشان داد که آمار تکرار جرم شرکت‌کنندگان میانجی‌گری، سه چهارم گروه مقابل است که مشمول برنامه‌های عادی دادرسی کیفری رسمی شده‌اند (Iivari, 2002).

۱۰- پیشگیری از جرم

پیشگیری، مجموعه اقدام‌ها و تدابیر غیرقهرآمیز است که با هدف خاص مهار بزه‌کاری، کاهش احتمال و وخامت جرم، پیرامون علل جرائم اتخاذ می‌شود. در این تعریف اقدام پیشگیرانه اقدام غیرقهرآمیزی است که بر عوامل جرم‌زا اعمال می‌شود. در واقع پیشگیری مستلزم آن است که ابتدا علت‌شناسی اولیه از جرم صورت بگیرد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۲۹).

ماده (۱) قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴ تعریف نسبتاً جامعی از پیشگیری ارائه کرده است: «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن، پیشگیری از جرم است». در مورد انواع پیشگیری، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از منظرهای مختلف صورت گرفته است. این تقسیم‌بندی‌ها فراتر از تقسیم‌بندی‌های صرف‌نظری هستند و به جنبه‌های متنوع مداخلات پیشگیرانه اشاره دارند (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۰). مطابق معیار زمان مداخله، به دو گونه کنشی (قبل از ارتکاب جرم) و واکنشی (پس از ارتکاب جرم)، بر اساس معیار سطح مداخله به سه دسته نخستین (برای همه افراد)، دومین (برای افراد آسیب‌پذیر) و سومین (برای افرادی که مرتکب جرم شده‌اند)، مطابق معیار قلمرو مداخله به دو دسته عمومی (با تمرکز به عوامل عمومی جرم) و اختصاصی (با تمرکز بر علل اختصاصی جرم)، بر اساس معیار سازمان مداخله‌کننده به سه گونه اجتماعی (نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در مسائل اجتماعی)، انتظامی (نهاد پلیس) و قضایی (مراجع رسیدگی‌کننده به جرم) و مطابق نوع مداخله به کیفری (از طریق سازوکارهای نظام عدالت کیفری) دسته‌بندی می‌شود (عباسی، ۱۳۸۶: ۷۶).

۱۱- پیشگیری اجتماعی از جرم

بی‌تردید مهم‌ترین و نزدیک‌ترین عاملی که در بروز بزه‌کاری نقش اساسی و مستقیمی را ایفا می‌کند، اراده مجرم است که گذار از مرحله انگیزه و تصمیم به ارتکاب بزه را تا تحقق کامل آن هموار می‌کند. واقعیت آن است که دو دسته از عوامل، موجب بروز افکار و اراده مجرمانه می‌گردد. دسته اول عواملی هستند که مثل مشکلات حاد درونی از درون بر افکار و اراده فرد اثر می‌گذارد و او را به سمت بزه سوق می‌دهد، دسته دوم نیز شامل علل و عوامل بیرونی از قبیل محیط‌های ناسالم و جرم‌زا و وضعیت فرهنگی، اجتماعی و تربیتی است که زمینه ارتکاب جرم در فرد را فراهم می‌آورد. بنابراین کنترل جرم بدون در نظر گرفتن عواملی که بر اراده و انگیزه مجرمانه تأثیر داشته باشد عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد (بیات و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۶).

پیشگیری اجتماعی برخلاف پیشگیری وضعی که بر موقعیت جرم‌زا تمرکز دارد، به مجرم احتمالی و محیط پیرامونی او می‌پردازد. پیشگیری اجتماعی خود به دو بخش رشد مدار و جمعی تقسیم می‌شود. در پیشگیری اجتماعی، تقویت سازوکارهای خودکنترلی (یا موانع اخلاقی) از یک سو و آموختن مهارت‌های اجتماعی برای تعامل با دیگران از سوی دیگر، به نوجوانان آموزش داده می‌شود. این نوع پیشگیری، با هدف قراردادن اصلاح فرد و جامعه، منجر به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی می‌شود این نوع از پیشگیری، برخلاف پیشگیری وضعی که بزه‌دیده مدار و سیبل مدار است؛ مجرم‌مدار و فردمدار است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۳۸).

برنامه‌های رشدمدار در صدد شناسایی عوامل خطر بزه‌کاری هستند تا با شناسایی آن‌ها مانع شوند تا این عوامل در کودکان و نوجوانان رشد کنند و آنان را مرتکب انحراف، و سپس، جرم نمایند. پیشگیری رشد مدار بیش از آنکه در پی ارائه آموزش‌های کلی و عمومی در مورد پیشگیری از جرم به مردم باشد، بر گروه‌هایی از جوانان که عوامل خطر بزه‌کاری در آن‌ها شناسایی شده و در معرض خطر ارتکاب جرم هستند، تمرکز دارد (پیشگیری مرحله دوم به جای پیشگیری مرحله اول). به طور کلی می‌توان گفت منظور از پیشگیری جامعه‌مدار، خنثی کردن عوامل جرم‌زایی است که در محیط به وجود آمده‌اند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۶۳). عواملی همچون خانواده، مدرسه، گروه همسالان، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بیکاری، رسانه‌های جمعی از جمله عوامل محیطی هستند، که می‌توانند به عنوان عامل خطر یا جرم‌زا یا عامل حمایتی ایفای نقش نمایند.

پیشگیری رشدمدار در صدد شناسایی موارد زیر است:

۱- عوامل خطری که می‌تواند نشانه روی آوردن به بزه‌کاری در آینده باشد؛

۲- عوامل حمایتی که می‌تواند احتمال ارتکاب جرم را کاهش دهد؛

۳- عوامل قطع‌کننده که می‌تواند نوجوانان یا جوانان را از استمرار فعالیت منحرفانه و یا مجرمانه منصرف سازد (ترک تکرار جرم) (Crawford, 2007: 883). به عبارتی می‌توان گفت عوامل قطع‌کننده ناظر بر پیشگیری از تکرار بزه‌کاری در سطح سوم یا ثالثیه و با استفاده از شیوه پیشگیری اجتماعی از جرم تمرکز دارد، که در این مقاله، نقش میانجی‌گری در دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی کلاتری‌های پلیس در این سطح از پیشگیری و به شیوه پیشگیری اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱۲- میانجی‌گری و پیشگیری اجتماعی از جرم

پیشگیری اجتماعی رویکردی بزه‌کار محور و میانجی‌گری به دو عنصر بزه‌کار و بزه‌دیده به صورت توأم توجه دارد. پیشگیری اجتماعی از یک طرف به شناخت و برطرف نمودن علل جرم تأکید دارد و از طرف دیگر به آموزش و مسائل تربیتی توجه می‌کند. تأثیر آموزش و ماندگاری اقدامات تربیتی مستلزم وجود فضا و شرایط مناسب است. در فرآیند رسیدگی به پرونده، چنانچه زمانی مناسب برای عدالت ترمیمی با تأکید بر رویکرد فرآیند محوری، اختصاص داده شود به نظر می‌رسد شرایط برای اثربخشی هر چه بهتر پیشگیری اجتماعی از جرم از طریق آموزش‌های تربیتی و اخلاقی بر روی بزه‌کار مهیا باشد. در شرایطی که بزه‌دیده بین انتخاب مجازات بزه‌کار و گذشت او مخیر است در صورت انتخاب راه‌کار دوم، بزه‌کار را دچار شرمساری بیشتر از عملکرد خود می‌نماید و مسلماً هر چقدر حضور افراد ذی‌نفع و تأثیرگذار بر بزه‌کار در جلسه صلح و آشتی بیشتر باشد، این تأثیرگذاری بیشتر است و این همان نتیجه‌ای است که پلیس در پیشگیری اجتماعی به دنبال آن است.

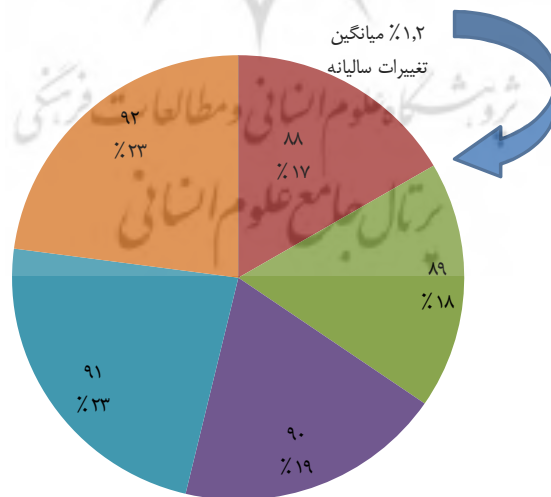
روش تحقیق حاضر از نظر اهداف کاربردی و از نظر ماهیت مطالعه توصیفی تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و کار میدانی با مطالعه دو گروه بزه‌کار است.

از آنجا که مهم‌ترین و مؤثرترین راه برای آشنایی و دستیابی به مبانی نظری پیرامون عدالت ترمیمی و نقش میانجی‌گری پلیس در پیشگیری از جرم، رجوع به منابع و نوشته‌های پژوهشگران، و آثار اندیشمندان در این حوزه می‌باشد، در این تحقیق نیز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی از آمار و عملکرد دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی کلاتری‌های پلیس در یک دوره پنج‌ساله، تلاش شده است تا ضمن بیان تصویری دقیق و واضح از نظریات اندیشمندان در این حوزه و وضعیت فعلی دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی، راهکارهای عملی در جهت تحقق پیشگیری اجتماعی از تکرار بزه‌کاری بر پایه میانجی‌گری پلیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

۱۳- یافته‌ها در مورد عملکرد فعلی دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی در کلانتری‌ها

با توجه به مطالعه و بررسی، آمار عملکرد دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی در کلانتری‌های پلیس در سطح کشور در یک دوره پنج‌ساله، حکایت از آن دارد که میزان پرونده‌های متشکله در دواير خدمات قضایی کلانتری‌ها به‌رغم اینکه در سال ۹۲ کاهش بسیار ناچیزی را داشته، لیکن در این دوره پنج‌ساله با میانگین ۱/۲٪ تغییرات، آمار پرونده‌ها دارای افزایش است، و از سوی دیگر به موازات افزایش پرونده‌های دواير خدمات قضایی کلانتری‌ها، تعداد پرونده‌های ارجاعی به دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی با میانگین ۱/۸٪ تغییرات افزایش پیدا کرده است و همچنین میزان پرونده‌های منجر به سازش در دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی با میانگین ۱/۶٪ رشد، افزایش داشته است. در اینجا ذکر این نکته لازم است که پرونده‌های قضایی اعم از پرونده‌هایی که تحت عنوان جرم مشهود یا موارد اعلامی به تلفن ۱۱۰ و پرونده‌هایی که با ارجاع قضایی (مرجوعه) در کلانتری‌ها تشکیل می‌شوند، ابتدا وارد دایره قضایی کلانتری و سپس پرونده‌هایی که قابل میانجی‌گری با رویکرد عدالت ترمیمی هستند به دایره مشاوره و مددکاری ارسال می‌گردند. البته برخی موضوعات مثل سرقت و جرائم خشن و موضوعات مربوط به مواد مخدر، در ابتدای امر در دواير تخصصی مربوطه (تجسس و اطلاعات) و از آن طریق و با هماهنگی رئیس کلانتری به پلیس‌های تخصصی مربوطه (آگاهی و مبارزه با مواد مخدر) ارسال می‌گردند. نمودار زیر درصد تغییرات سالیانه پرونده‌های قضایی کلانتری‌های سراسر کشور را نشان می‌دهد.

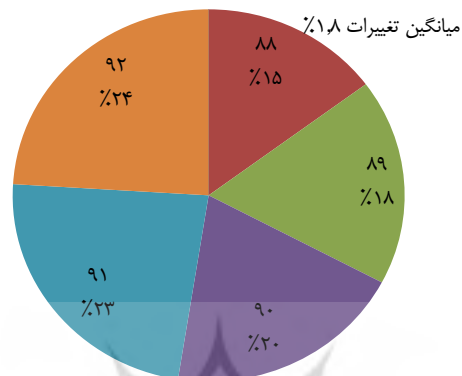
میانگین پرونده‌های قضایی بین سال ۸۸-۹۲



نمودار شماره ۱

نمودار شماره ۱ از مجموع کل آمار پرونده‌های متشکله در دواير خدمات قضایی کلانتری‌ها در پنج سال گذشته، درصد پرونده‌های متشکله هر سال را با میانگین تغییرات رشد نشان می‌دهد.

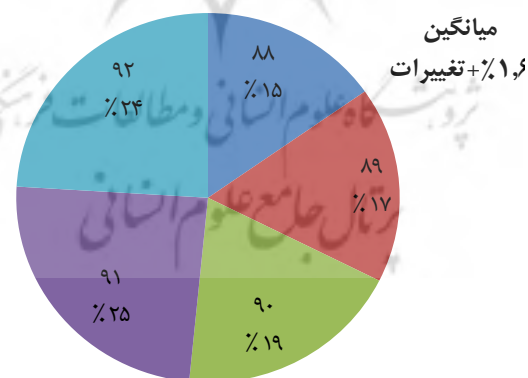
پرونده های ارجاعی به مددکاری اجتماعی بین سال ۸۸-۹۲



نمودار شماره ۲

نمودار شماره ۲ درصد میانگین تغییرات سالیانه پرونده‌های ارجاعی به دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی را در دوره پنج ساله نشان می‌دهد که دارای ۱/۸٪ میانگین تغییرات رشد در هر سال بوده است.

میانگین پرونده های منجر به سازش

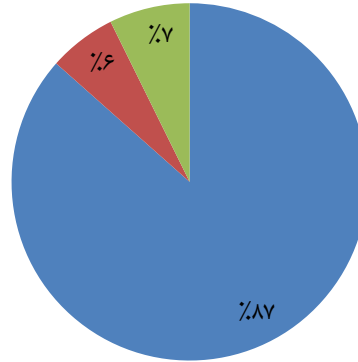


نمودار شماره ۳

نمودار شماره ۳ درصد تغییرات پرونده‌های منجر به سازش را در دوره پنج ساله نشان می‌دهد که میانگین تغییرات ۱/۶٪ رشد را در هر سال نشان می‌دهد.

۹۲-۸۸

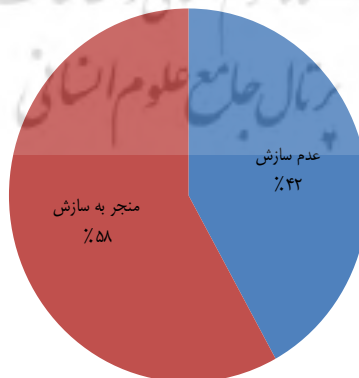
■ منجر به سازش ■ عدم سازش ■ تعداد پرونده های قضایی



نمودار شماره ۴

نمودار شماره ۴ درصد پرونده‌های مشکله در دواير قضایی کلاتری‌ها، پرونده‌های ارجاعی به دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی و پرونده‌های منجر به سازش را نشان می‌دهد که از کل پرونده‌های مشکله در دواير قضایی و مددکاری اجتماعی کلاتری‌ها، ۸۷٪ در دواير خدمات قضایی، ۱۳٪ در دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی رسیدگی شده است که از این ۱۳٪، ۷٪ نسبت به کل پرونده‌های فوق منجر به سازش و ۶٪ منجر به سازش نگردیده‌اند. لیکن با یک نگاه دیگر می‌توان چنین بیان نمود که از پرونده‌های ارجاعی به دواير مددکاری اجتماعی ۵۸٪ منجر به سازش گردیده است که این مقدار در نمودار زیر نشان داده می‌شود. ضمناً پرونده‌های ارجاعی به دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی را پرونده‌هایی با کد اختلاف خانوادگی، حقوقی، نزاع و سایر تشکیل می‌دهد.

میانگین نتایج پرونده های ارجاعی به مددکاری اجتماعی بین سالهای ۹۲-۸۸



نمودار شماره ۵

نمودار شماره ۵ نتایج پرونده‌ها در دواير مددکاری اجتماعی را نشان می‌دهد که از کل پرونده‌های ارجاعی به این دواير ۵۸٪ منجر به سازش گردیده است.

در رابطه با عملکرد کلانتری‌ها در پیشگیری از تکرار بزه‌کاری، در یک دوره یک ماهه از مورخه ۱۳۹۲/۱۰/۱ تا ۱۳۹۲/۱۱/۱ در چهار کلانتری در نقاط مختلف شهر تهران، با مطالعه میدانی و اطلاعات سیستمی از رایانه دو گروه از بزه‌کاران به تعداد مساوی هر گروه شامل ۲۵۰ نفر از سن شانزده سال به بالا مورد بررسی قرار گرفتند. گروه یک افرادی که بعد از بزه‌کاری در کلانتری مورد مشاوره قرار گرفتند و پرونده نیز به صلح و سازش انجامید و در مواردی بزه‌کاران به سازمان‌های ذیربط نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی معرفی شدند. تعدادی نیز که جرمشان جنبه عمومی داشت، جهت رسیدگی به جنبه عمومی جرم با تأکید بر گذشت شاکي خصوصی به دادسرا معرفی شدند و گروه دوم شامل ۲۵۰ نفر از کسانی بودند که بدون تلاش برای صلح و سازش و مشاوره، به طور مستقیم از طریق دایره قضایی کلانتری به دادسرا معرفی گردیدند. برای اینکه گروه‌های مورد مطالعه اشاره شده از شرایط یکسان بیشتری برخوردار باشند، تلاش گردید موضوعات پرونده‌های دو گروه تا حدودی نزدیک به هم باشند. لازم به یادآوری است که اگر چه مطالعات اولیه دو گروه در چهار کلانتری صورت گرفت، ولی آمار تکرار جرم در مورد افراد گروه‌ها، از کل کلانتری‌های شهر تهران از طریق سیستم استخراج گردید. نتایج حاصله در یک دوره شش ماهه یعنی از شروع مطالعه به تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۱ تا ۱۳۹۳/۴/۱ حکایت از آن دارد که نزدیک به ۳۰٪ آمار تکرار جرم از هر دو گروه، خارج از حوزه این چهار کلانتری بوده است و چنانچه تکرار جرمی توسط هر یک از دو گروه خارج از شهر تهران صورت گرفته باشد، جمع‌آوری و احصاء آن برای محققین مقدور نبوده و می‌توان آن را جزء محدودیت‌های تحقیق به حساب آورد که به نظر می‌رسد آمار قابل توجهی نباشد. جدول ۱ نتایج حاصل از این مطالعه را نشان می‌دهد.

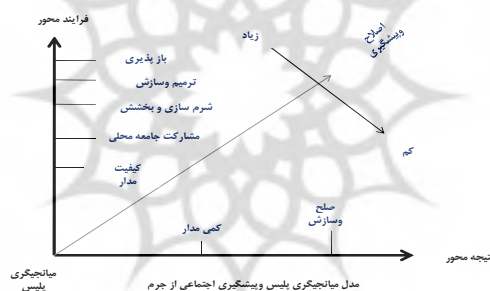
جدول (۱): نتایج مربوط به تکرار جرم در گروه‌های مورد مطالعه

جامعه آماری	افراد بزه‌کار تا ۹۲/۱۰/۱ تا ۹۳/۱۱/۱		یک بار تکرار ۹۳/۴/۱ تا ۹۲/۱۰/۱		دو بار تکرار ۹۳/۴/۱ تا ۹۲/۱۰/۱		بیش از دو بار تکرار ۹۲/۱۰/۱ تا ۹۳/۴/۱		جمع کل افرادی که مرتکب تکرار جرم شده‌اند.
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
افراد بزه‌کار مشاوره شده در کلانتری	۲۵۰	۱۴	۵/۶	۷	۲/۸	۰	۰	۲۱	۸/۴
افراد بزه‌کار مشاوره نشده در کلانتری	۲۵۰	۳۶	۱۴/۴	۱۷	۶/۸	۱۳	۵/۲	۶۶	۲۶/۴

همان طور که در جدول ملاحظه می‌شود، افراد مرتکب تکرار جرم در گروهی که مورد مشاوره قرار گرفته‌اند، با فراوانی ۲۱ نفر درصدی معادل ۸/۴ را شامل می‌شوند. این عدد کمتر از یک سوم مرتکبین جرم، در گروه افراد مشاوره نشده است که با فراوانی ۶۶ نفر، ۲۶/۴ را شامل می‌شوند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی نظری این مطالعه و نظریات اندیشمندان حوزه عدالت ترمیمی و میانجی‌گری در جهت تحقق منافع تمام آسیب‌دیدگان از جرم و چگونگی تقویت شرم‌سازی و احساس مسئولیت در مجرم و فرآیند بازپذیری مجرم و تغییرات حاصله در وی در جهت کاهش میل به ارتکاب جرم، ملاحظه و بررسی آمار عملکردی دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی در کالنتری‌ها در یک دوره پنج ساله، ضمن بحث و بررسی راهکارهای توسعه دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی با رویکرد عدالت ترمیمی، مؤثرترین شیوه میانجی‌گری با هدف تحقق پیشگیری اجتماعی از تکرار بزه‌کاری را می‌توان در قالب مدل زیر مورد تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری قرار داد:



۱- نتایج به دست آمده از میزان عملکرد دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی در طول یک دوره پنج ساله نشان می‌دهد میزان ۵۸٪ از پرونده‌های ارجاعی به دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی منجر به مصالحه و سازش گردیده است و این دواير به طور متوسط با میانگین ۱/۶٪ رشد سالیانه موجب افزایش میزان پرونده‌های منجر به سازش گردیده است. میانگین سالیانه ارجاع پرونده‌های قضایی به دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی در طی دوره یاد شده دارای تغییرات مثبت ۱/۸٪ بوده و مجموع آن ۱۳٪ از کل پرونده‌های قضایی را شامل می‌شود. بنابراین نتایج مطالعه نشان می‌دهد، دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی در کالنتری‌های پلیس عملکرد رو به رشدی را در رابطه با ارجاع پرونده‌های قضایی به این دواير و نرخ مصالحه داشته است، لیکن پلیس می‌تواند با تقویت این دواير و مداخله دادن جامعه محلی بر پایه رویکرد عدالت ترمیمی اقدامات اثر بخشی را در جهت تسهیل فرآیند بازپذیری و اصلاح فرد به منظور پیشگیری از تکرار بزه‌کاری و جرم

انجام دهد. این درحالی است که با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری جدید که جراثیم تعزیری درجه ۶، ۷، و ۸ را مشمول میانجی‌گری دانسته، شمول رسیدگی و میانجی‌گری پلیس نیز در دوایر مشاوره و مددکاری اجتماعی گسترش خواهد یافت و نقش بیشتری را در فرآیند پیشگیری ترمیمی و بازپذیری مجرمین و بزه‌کاران ارائه خواهد داد و لذا جهت تحقق پیشگیری از بزه‌کاری بر پایه میانجی‌گری دوایر مشاوره و مددکاری اجتماعی، حرکت از نتیجه‌محوری و صرف مصالحه به سوی فرآیندمحوری یعنی اقدامات عمیق و کیفی و اصلاح و بازپذیری بزه‌کار امری اجتناب‌ناپذیر است.

۲- با ملاحظه مبانی نظری مطالعه در مورد عدالت ترمیمی و میانجی‌گری پلیس در تحقق اهداف آن، می‌توان چنین بیان نمود، هر چند که موضوع مصالحه و سازش در پرونده‌های متشکله در کلانتری‌های انتظامی پلیس دارای سبقه طولانی بوده، لیکن در رویکردها و نگرش‌های نوین نظام عدالت کیفری در بحث عدالت ترمیمی که ریشه در همین سبقه تاریخی دارد، از یک نظر دارای نگرش متفاوت به موضوع مصالحه و سازش قبل از رسیدگی و دادرسی در محاکم کیفری می‌باشد و آن نگاه همه جانبه و متوازن در رویکرد عدالت ترمیمی نسبت به منافع تمام آسیب‌دیدگان ناشی از وقوع جرم از قبیل بزه‌دیده اولیه و بزه‌دیدگان ثانویه شامل دوستان، آشنایان، خانواده و جامعه محلی و ایجاد شرایط و تسهیل بازپذیری، امکان اصلاح مجرم و پیشگیری از تکرار بزه‌کاری می‌باشد و از طرف دیگر پلیس نقش میانجی‌گری را در دوایر مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری‌ها با هدف ترمیم و صلح و سازش در شرایطی دنبال می‌نماید که با توجه به رویکرد جامعه‌محوری و در تعامل نزدیک و دو سویه با جامعه، دارای ظرفیت‌های مناسب به منظور مشارکت دادن و مداخله جامعه محلی در میانجی‌گری‌ها می‌باشد، که می‌تواند اهداف میانجی‌گری را در تأثیرگذاری بر مجرم، تحت حمایت و بازپذیری جامعه محلی، در جهت پیشگیری از تکرار بزه‌کاری محقق سازد. بنابراین با نگرش بر نظریات اندیشمندان حوزه عدالت ترمیمی و ملاحظه مدل استنتاجی از مبانی نظری، دو رویکرد اجرای میانجی‌گری در دوایر اجتماعی کلانتری‌ها را می‌توان یافت. در صورتی که پلیس در نقش میانجی‌گری تمرکز بر نتیجه و اقدام شکلی و با هدف صرفاً مصالحه، سازش، کاهش تراکم پرونده‌ها و یا مختومه نمودن پرونده‌های متشکله قبل از دادرسی کیفری باشد، اهداف عدالت ترمیمی در جهت تأمین منافع تمام آسیب‌دیدگان از جرم و امکان اصلاح مجرم، به جهت عدم مشارکت جامعه محلی، عدم شرمساری و احساس مسئولیت مجرم در مقابل بزه‌دیده و عدم بازپذیری جامعه محلی، محقق نخواهد شد، ولی چنانچه پلیس با رویکرد فرآیندمحوری و با استفاده از ظرفیت‌های جامعه محلی، موضوع ترمیم و جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از جرم را نسبت به تمامی آسیب‌دیدگان از جرم از نظر ماهوی دنبال نماید، مجرم در فضای ایجاد شده در حضور

جامعه محلی شامل خانواده، دوستان، اطرافیان، همسایگان و بزه‌دیده، دچار شرمساری شده و احساس مسئولیت وی نسبت به بزه‌دیده اولیه و سایر بزه‌دیدگان بیشتر خواهد شد و از طرف دیگر جامعه محلی در حمایت از بزه‌دیده و مجرم در تأمین خسارت به وجود آمده امکان بازپذیری مجرم را فراهم آورده و در نتیجه با امکان تأثیرگذاری بر شرایط فردی و اجتماعی مجرم، گرایش مجدد وی را در ارتکاب جرائم کاهش خواهد داد و لذا با ملاحظه مدل فوق می‌توان بیان نمود؛ هر قدر گرایش دوایر مشاوره و مددکاری اجتماعی در نقش میانجی‌گری به سمت فرآیندمحوری و جلب مشارکت و مداخله جامعه محلی باشد، امکان تکرار بزه‌کاری مجرم کاهش یافته و برعکس هر قدر گرایش دوایر مشاوره و مددکاری اجتماعی در نقش میانجی‌گری به سمت صرف سازش و کاهش تراکم پرونده‌ها متمرکز شود، امکان تکرار بزه‌کاری مجرم افزایش پیدا خواهد نمود.

مطالعه دو گروه بزه‌کار که علاوه بر مطالعه اسنادی، کار میدانی دقیق و زمان‌بر را برای محققین به همراه داشت، حکایت از موفقیت دوایر مشاوره و مددکاری کلانتری‌هاست. همان طور که در یافته‌ها بدان اشاره شد، افراد مرتکب تکرار جرم در گروهی که مورد مشاوره قرار گرفته‌اند، یک سوم مرتکبین جرم، در گروهی هستند که مورد مشاوره قرار نگرفته‌اند.

به‌رغم آنکه از فعالیت دوایر مشاوره و مددکاری در کلانتری‌ها بیش از ده سال سپری شده است، این دوایر و ظرفیت‌های آن هنوز برای سیستم عدالت کیفری چه برای مسئولین دولتی و قضات و چه برای جامعه محلی کمتر شناخته شده هستند. لازم است با نشست‌های محلی و دولتی ظرفیت‌های این دوایر برای مسئولین بازگو شود.

لازم است برای اعتمادسازی بیشتر و افزایش بهره‌وری دوایر مشاوره و مددکاری، از افراد کارآزموده و مجرب در این زمینه استفاده شده و فضایی مناسب برای اثربخشی هر چه بیشتر اقدامات در باب عدالت ترمیمی و میانجی‌گری پلیس به عمل آید، تا بتوان با استفاده از ظرفیت‌های جامعه محلی اهداف پیشگیری از تکرار بزه‌کاری را محقق ساخت.

رویکرد عدالت ترمیمی برای همه کارکنان کلانتری نهادینه شود، به گونه‌ای که برآیند کار به هم‌افزایی بیانجامد. در برخی موارد ممکن است، اقدامات دوایر مشاوره با برخی اقدامات نسنجیده سایر کارکنان نظیر تحقیر و سرزنش بزه‌کار، خنثی گردد. بنابراین تقویت بعد تخصص‌گرایی و حرفه‌گرایی می‌بایست روند مستمر و رو به رشدی را داشته باشد.

منابع

الف - فارسی

۱. بیات، بهرام؛ شرافتی‌پور، جعفر؛ عبدی، نرگس؛ «پیشگیری از جرم با رویکرد اجتماع‌محور»، تهران، معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۷.
۲. زهر، هوار؛ *عدالت ترمیمی*، ترجمه حسین غلامی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۳. دلماس، مارتی؛ (۱۳۸۱) نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۴. عباچی، مریم؛ «پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر کودکان با تأکید بر نقش پلیس، پیشگیری از تکرار جرم و تکرار بزه‌دیدگی»، مجموعه مقالات ارائه شده در نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران، معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۸.
۵. غلامی، حسین؛ *عدالت ترمیمی*، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۶. _____؛ «بررسی جایگاه عدالت ترمیمی در پیش‌نویس پژوهش حقوق و سیاست»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۴، شماره ۱۵.
۷. _____؛ «عدالت ترمیمی، اصول و روش‌ها»، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳۸۲، شماره ۴.
۸. فرجی‌ها، محمد؛ «پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی»، مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.
۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، مجله قضاوت، ۱۳۸۳، شماره ۲۶.
۱۰. _____؛ «میانجیگری کیفری: جلوه‌ای از عدالت ترمیمی»، دیباچه بر کتاب میانجیگری در امور کیفری، محمد آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
۱۱. _____؛ دیباچه کتاب بزه‌دیده در فرآیند کیفری، تهران، ۱۳۸۱.
۱۲. _____؛ *مباحثی در علوم جنایی (تقریرات)*، تهران، ویراست پنجم به کوشش شهرام ابراهیمی، ۱۳۸۷.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید؛ *دانشنامه جرم‌شناسی*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۱۴. نوروزی، بهرام؛ بارانی، محمد؛ سرکشیکیان، محمد؛ «پیشگیری از جرم از نظریه تا عمل، با تأکید بر نقش پلیس»، تهران، شرکت ناجی نشر، ۱۳۹۰.
۱۵. رایت، مارتین؛ مارشال، تونی و مایز، مایکل؛ «عدالت ترمیمی: از تقاضا بخشیدن رویکرد - بزه‌دیده محوری» (مجموعه مقالات)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، انتشارات خلیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۴.

ب- لاتین

16. Crawford, A; 2007, *Crime Prevention and Community Safety*, the Oxford Handbook of Criminology, 4th Edition, New York, Oxford University Press.
17. Livari, juhani; 2002, "**Victem- Offender Mediation An Addition or Nothing but a Rubbish bin in Relation to Legal Proceaofings?**", Restorative Justice Online April 2002 Edition.
18. Murdocca, C; 2009, "**From Incarceration to Restoration**", Social Legal Studies, No. 18(1).
19. Umbreit, Mark; 1998, *Restoretive Justive Throught Victim Offender Mediation*, A multi-Site Assessment Westerns Criminology Review.
20. Rodriguez, N; 2007, "**Restorative Justice at Work: Examining the Impact of Restorative Justice Resolutions on Juvenile Recidivism**", Crime & Delinquency, No. 53.
21. Robinson, G & Shapland, J; 2008, "**Reducing Recidivism, A Take for Restorative Justice?**", British Journal of Criminoljy, No. 48.
22. Rossner, Dieter; 1999, **Mediation as a Basic Element of Crime Control; Theoretical And Emprical Camments**, University of Murbury Germany.
23. Webster, P; 1999, "**Restorative Justice-the Way Forward?**", The Newspaper for Survey Police and the Local Community, No. 304.
25. Nugent, W. M and J. Paddock; 1995, "**The Effect of Victim-Offender Mediation on Severity of Reoffense**", Mediation Quarterly, No. 12.
26. Schneider, A; 1998, "**Restitution Rate for hrvenile Offenders: Results from four Experimental studies**", Criminoligy, Vol. 2H.
27. Umbreit, Coates & Vos; 2001, "**The Impact of Victim offender mediation; two decades of research**", journal of Federal Probation Vol. 65, No. 3.
28. Young, R & Goold, B; 1999, "**Restorative Police Cautioning**", in
29. *Aylesbury-From Degrading to Reintegrative Shaming Ceremonies? Criminal Law Review.*